

فرهنگ معاصر دانش آموز

انگلیسی - فارسی

ویراست دوم

تدوین

واحد پژوهش فرهنگ معاصر



فرهنگ معاصر

راهنمای استفاده از فرهنگ

توجه به نکات زیر مراجعه به این فرهنگ را آسان تر و سودمندتر خواهد کرد.

ترتیب مدخل های انگلیسی

loneliness /'lonlɪnɪs/ *n* تنهایی

lonely /'lonli/ *adj* تنها، یکه و تنها

۱. تنها، یکه و تنها
۲. بی کس، غریب
۳. دورافتاده

سخرهای این فرهنگ به ترتیب حروف الفبا فهرست شده اند؛ بنابراین اگرچه **loneliness** اسمی است که از صفت **lonely** مشتق شده است اما به قضای صورت الفبایی قبل از **lonely** قرار گرفته است.

زیرمدخل ها

زیرمدخل های این فرهنگ شامل اصطلاحات و فعل های گروهی است. بری پیدا کردن اصطلاح و فعل گروهی مورد نظر توجه به نکات زیر ضروری است:

resort /ri'zɔ:t/ *vt, n*

۱. آمد و شد کردن در @ ۲. تفریحگاه

(as) a last resort

(به عنوان) آخرین راه حل

in the last resort

دست آخر

resort to sth (vt)

پناه بردن به

متوسل شدن به

● در ذیل هر مدخل، ابتدا اصطلاحات و سپس افعال گروهی به ترتیب حروف الفبا فهرست شده اند.

yourselves /yor'selvz/ pron

۱. [ضمیر انعکاسی، دوم شخص جمع] خودتان را، به خودتان، از خودتان، خودتان ۲. [ضمیر تأکیدی] خودتان

by yourselves

تنها، به تنهایی

youth /yooθ/ n

۱. جوانی

۲. جوان، مرد جوان ۳. جوانان

in one's youth در جوانی کسی

you've /yoov/ = you have**Z****Z, z** /zed, zii/ n [pl Z's, z's] زد، زی

[= بیست و ششمین حرف الفبای انگلیسی]

zebra /'ziibrā/ n [pl zebras]

گوراسب، گورخر



zebra

zebra crossing /ziibrā 'krāsing/ n

خط کشی عابر پیاده

zero /'ziiro/ n

[عدد، درجه] صفر

zigzag /'zigzag/ n, adj, vi

۱. زیگزاگ ۲. خط شکسته ۳. شکسته ۴. زیگزاگ رفتن

zinc /zink/ n

[فلز] روی

Zionism /'zāyenizem/ n

صهیونیسم

zionist /'zāyenist/ n, adj

۱. صهیونیست ۲. صهیونیستی

zip /zip/ n, vt

۱. زیپ

۲. زیپ ... را بستن / باز کردن

zip sth up (vt)

زیپ ... را بستن، زیپ ... را بالا کشیدن

zip code /'zip kod/ n

کد پستی

zone /zon/ n

منطقه

zoo /zoo/ n

باغ وحش

zoom /zoom/ vi

۱. به شتاب رفتن

۲. افزایش یافتن ۳. [دوربین] زوم کردن

IRREGULAR VERBS**افعال بی قاعده**

در این ضمیمه، افعال رایج انگلیسی که صورت‌های تصریفی بی قاعده دارند ضبط شده‌اند. تنها افعالی که با خط تیره نوشته می‌شوند (مانند re-lay, pre-set) و نیز افعال معین (مانند can و must) از این فهرست کنار گذاشته شده‌اند.

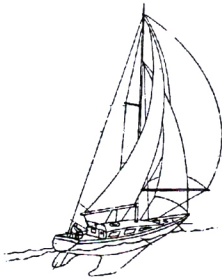
abideabided, abode
abided, abode**arise**arose
arisen**awake**awoke
awoken**backbite**backbit
backbitten**backslide**backslid
backslid, backslidden**be**was/were
been**bear**bore
borne, born**beat**beat
beaten**become**became
become**befall**befell
befallen**beget**begot, begat
begotten**begin**began
began**behold**beheld
beheld**bend**bent
bent**beseech**beseached, besought
beseached, besought**beset**beset
beset**bespeak**bespoke
bespoke, bespoken**bestride**bestrode
bestriden**bet**bet, betted
bet, betted**bid**bid, bade
bid, bidden**bind**bound
bound**bite**bit
bitten**bleed**bled
bled**bless**blessed, blest
blessed, blest**blow**blew
blown**break**broke
broken**breed**bred
bred**bring**brought
brought**broadcast**broadcast
broadcast**browbeat**browbeat
browbeaten**build**built
built**burn**burned, burnt
burned, burnt**burst**burst
burst**bust**busted, bust
busted, bust**buy**bought
bought**cast**cast
cast**catch**caught
caught**chide**chided, chid
chided, chid, chidden**choose**chose
chosen**cleave**cleaved, clove, cleft
cleaved, cloven, cleft**cling**clung
clung**come**came
come**cost**cost
cost**countersink**countersank
countersunk

X

- X, x** /eks/n [pl X's, x's] ۱. اکس
[= بیست و چهارمین حرف الفبای انگلیسی] ۲.
[عددنویسی رومی] ده
- Xerox** /'ziráks/n, vt ۱. زیراکس
۲. [زیراکس کردن]
- Xmas** /'krísmas/n کریسمس
- X-ray** /'eks rey/n, vt ۱. اشعه
گزیلوفون، زایلوفون
- یکس ۲. دستگاه اشعه ایکس [با] ۳. [با اشعه ایکس] معاینه کردن ۴. [با اشعه ایکس] عکس گرفتن از
- take an X-ray** (از جایی از بدن) عکس گرفتن
- xylophone** /'zâylofon/n گزیلوفون، زایلوفون

Y

- Y, y** /wây/n [pl Y's, y's] ۱. وای
[= بیست و پنجمین حرف الفبای انگلیسی]
- yacht** /yât/n ۱. قایق تفریحی
۲. قایق بادبانی مسابقه‌ای
- yawn** /yon/n, vi ۱. خمیازه
۲. [خمیازه کشیدن، دهن دره کردن]



yacht



yawn

- yd** /yârd/ = yard²
- yeah** /yâ/adv آره، آهان
- year** /yet/n ۱. سال
۲. [در ترکیب] - ساله
- all the year round** در طول سال
- year after year** در تمام سال
سال‌های سال،
سال‌های متمادی
۱. حیاط
۲. حیاط خلوت
۳. محوطه
۱. یارد
[= واحد طول برابر با ۹۱/۴۴ سانتی‌متر]

- year in year out** سال‌های سال،
سال‌های متمادی، هم‌ساله، هر ساله
- yearly** /'yerli/ adj, adv سالانه
- yeast** /yiist/n مخمر
- yell** /yel/vi, n ۱. نعره زدن،
هوار کشیدن [۲] نعره، داد، فریاد
- yellow** /yelo/adj, n (رنگ) زرد
- yen** /yen/n پین [= واحد پول ژاپن]
- yes** /yes/ intj, n ۱. بله، بلی،
آری، آره ۲. چرا [۳] جواب مثبت
- yesterday** /'ycsterdcy/ adv, n دیروز
- yet** /yet/ adv, conj ۱. هنوز
۲. حالا ۳. اما، ولی [۴] با این همه
- as yet** تا حالا، هنوز
- yet again** دوباره، باز هم

کاربرد yet

- yet** و **still** هر دو را می‌توان «هنوز» ترجمه کرد ولی بین آنها تفاوت معنایی و کاربردی وجود دارد.
- still** معمولاً برای عملی به کار می‌رود که ظاهراً باید پایان یافته باشد ولی همچنان ادامه دارد. مانند:

It is past ten o'clock and the 9:30

train still hasn't arrived.

ساعت از ده گذشته و قطار ۹:۳۰ هنوز نرسیده است.

Do you still work for him?

هنوز برای او کار می‌کنی؟

yet به معنی «هنوز» در جمله‌های منفی و برای عملی به کار می‌رود که انتظار می‌رود آغاز شده باشد ولی آغاز نشده است. مانند:

I haven't had breakfast yet.

من هنوز صبحانه نخورده‌ام.

در جمله‌های سؤالی، **yet** گاهی به معنی «حالا، تا حالا ...» است. مانند:

After thirty lessons, can you

بعد از سی جلسه تمرین،

حالا دیگر می‌توانی رانندگی کنی؟

در بعضی از جمله‌های سؤالی، **yet** به فارسی ترجمه نمی‌شود. مانند:

Have you had lunch yet?

ناهار خورده‌ای؟

yet یا بلافاصله بعد از واژه منفی می‌آید، مانند مثال زیر:

We do not yet know the answer.

هنوز جواب را نمی‌دانیم.

یا در پایان بند (clause)، مانند مثال زیر:

We don't know the answer yet.

بنابراین غلط است اگر گفته شود:

I don't know yet the answer.

- yogurt** /yâgert/n ماست
- yolk** /yok/n زرده تخم مرغ
- you** /yoo/pron ۱. [ضمیر فاعلی،
دوم شخص مفرد] تو ۲. [ضمیر فاعلی، دوم شخص جمع] شما

you'll /yool/ = you will

you'd /yood/ = you had; you would

young /yâng/ adj, npl ۱. جوان

۲. نورس، نورسته ۳. پسر، کوچک

۴. بچه‌ها ۵. [حیوان] توله‌ها

youngster /yângster/n بچه،

پسر بچه، پسر جوان

your /yor/adj ۱. [صفت ملکی،
دوم شخص مفرد] - تو، - ت ۲. [صفت ملکی،
دوم شخص جمع] - شما، - تان

yours /yorz/pron ۱. [ضمیر ملکی، دوم شخص مفرد] مال تو،
- تو، - ت ۲. [ضمیر ملکی، دوم شخص جمع] مال شما، - شما، - تان

[در پایان نامه دوستانه] قربانت

Yours

yourself /yor'self/pron [pl
yourselves]

۱. [ضمیر انعکاسی، دوم شخص مفرد] خودت را،
به خودت، از خودت، خودت ۲. [ضمیر
انعکاسی، دوم شخص مفرد، در کاربرد مؤدبانه]
خودتان را، به خودتان، از خودتان،
خودتان ۳. [ضمیر تأکیدی] خودت ۴. [ضمیر
تأکیدی] خودتان

تنها، به تنهایی

by yourself